

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۴ - ۵

تبیینی از اعتبارسنجی در اندیشه اسلامی: میان کنشی فقهی اخلاقی

طاهره پورنعمتی شمس آباد^۱
مریم شهریور^۲

چکیده

با پیشرفت تکنولوژی و نیاز به سامانه‌ها و نهادهای جدید، بر قانونگذاران لازم است متناسب با نیازهای روز، اقدام به قانونگذاری در زمینه استفاده از این تکنولوژی‌ها نمایند، تا سواستفاده مجرمین از تکنولوژی تا حد ممکن کاسته شود. یکی از مباحثی که جهان با آن در تقابل است، مفاسد اقتصادی است. مفاسدی چون پولشویی که نیازمند مقابله و راهکارهای قانونی می‌باشد. کشورها در راستای مبارزه با مفاسد اخلاقی و کاهش درگیری‌های حقوقی در این زمینه به استفاده از اعتبارسنجی مدنی روی آورده‌اند. در ایران، این طرح به صورت قانونی جا باز نکرده است و تنها موسسات مالی و اعتباری و بانک‌ها موظفند که نسبت به اعتبارسنجی مشتریان خود اقدام نمایند، لیکن اعتبارسنجی مدنی محدود به امور مالی نبوده و طیف وسیعی از مباحث را در خود جای داده است.

موضوع این پژوهش جایگاه و نقش اعتبارسنجی مدنی در قواعد اخلاقی است. اخلاق، دستورالعمل برای زندگی ارزشمند و متعالی را پیش روی ما قرار می‌دهد. برای آنکه انسان به کمال لایق خود برسد باید این جنبه وجودی را نیز در خود شکوفا سازد؛ این کمال بواسطه عمل به یکسری قواعد اخلاقی میسر است؛ در همه جوامع و اعصار، افراد روابط خود را در چارچوب قواعد و قوانینی تنظیم می‌کرده‌اند که عمده این ضوابط اخلاقی بوده‌اند. اخلاق از نیکی و زشتی یا شایستگی و ناشایستگی سخن می‌گوید. پژوهش حاضر به بررسی جایگاه اعتبارسنجی در قواعد اخلاقی خواهد پرداخت که چه تاثیری روی هم خواهند داشت.

واژگان کلیدی

اعتبار، اعتبارسنجی مدنی، اخلاق، قواعد اخلاقی.

۱. دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، مدرس دانشگاه پیام نور، اردکان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Tpournemati@gmail.com

۲. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، مدرس دانشگاه پیام نور، ممسنی، ایران.

Email: Maryam.shahrivar1400@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۲/۱

طرح مسأله

در جهان امروزی، امر اعتبارسنجی مدنی به عنوان یکی از مهمترین راه حل‌های موجود، جهت برقراری عدالت و استفاده بهینه از امکانات و منابع توسط شهروندان و اتباع یک کشور، پذیرفته شده و مورد استفاده قرار گرفته است. ولی در کشور ما، این امر هنوز به صورت کامل و جامع مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است.

باید توجه داشت بیشتر تحقیقات صورت گرفته در داخل کشور، پیرامون اعتبارسنجی، به موضوع اعتبار سنجی در حوزه بانک و امور مالی پرداخته و از فوائد آن بحث کرده است و هر آنچه که به رشته تحریر درآمده است، حول محور امور پولی و بانکی و مدیریت ریسک و سنجش اعتبار مشتریان بانکی است که از آن جمله مقالات زیر است:

رتبه‌بندی مشتریان، چالشی فراروی بانکها، اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی به نگارش صدیقه رهبر شمس کار، اعتبارسنجی و نقش آن در پیشگیری از پولشویی در بانکها و موسسات اعتباری غیر بانکی ایران از حمیدرضا میرزاجانی و مجید نجات زادگان، اعتبارسنجی مشتریان بانک با استفاده از خوشه بندی به روش k-means از آقایان نظری، مهرگان و تهرانی.

از آنجا که این پژوهش، مسبوق به هیچ سابقه تحقیقاتی در داخل کشور نیست و طرح اعتبارسنجی مدنی را بر اساس مبانی فقهی اسلام و قواعد اخلاقی مورد بررسی قرار می‌دهد، در بومی سازی این دانش، گام مهمی به شمار می‌آید، لذا این نخستین پژوهشی است که در ایران، اعتبارسنجی را از حیث فقهی و اخلاقی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

بنابر مطالب یاد شده، از آنجا که یکی از مهم ترین تمایلات انسانی در جامعه مدنی، بهره برداری از منابع و امکانات و تسهیلات بر اساس استحقاق و لیاقت است و از آنجایی که عدالت، زیرمجموعه ای از علم اخلاق است، بررسی جایگاه اعتبارسنجی مدنی در قواعد اخلاقی، امری نیکو می باشد. اخلاق به صفات درونی انسان گفته می شود که در درون انسان نهادینه شده است. اداره زندگی انسان تنها در پرتو مجموعه خاصی از قواعد اخلاقی است. قواعد اخلاقی، مبانی اخلاق را تشکیل می دهد و از وجود انسان سرچشمه می گیرد. جایگاه اعتبارسنجی در قواعد اخلاقی حیطه گسترده ای را شامل می شود که شامل بسیاری از بخش های زندگی می باشد، من جمله در زمینه عدالت اجتماعی که به بررسی دقیق تر ازین امر خواهیم پرداخت.

۱. مفهوم اعتبار^۱ و اعتبارسنجی

۱-۱. مفهوم اعتبار

یکی از معیارها و ملاک‌های مناسب برای ایجاد و ادامه دادن به یک کسب و کار، کسب اعتبار است. در واقع کسب اعتبار به شیوه‌ای آسان و با هزینه کم و ارزان، از ملزومات توسعه و پیشرفت بخش خصوصی و روابط اقتصادی است. در مفهوم مخالف این مطلب، اگر اعتباری به صورت گران و پر هزینه به دست بیاید به همان نسبت نیز، فعالیت اقتصادی، هزینه بردار خواهد شد و در نتیجه دامنه رشد فعالیت اقتصادی مضیق‌تر می‌گردد.

بانک جهانی به منظور توسعه فعالیت‌های اقتصادی و تسهیل دریافت اعتبار، معتقد است که باید به عملیات اعتباردهی رونق داده و میزان معوقات را کاهش داد و از دیگر جهت میزان اعطای تسهیلات را افزایش داده و در پی آن هزینه دریافت اعتبار را کاهش داد (نصیری اقدم و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۹).

نمونه بارز پیشنهاد بانک جهانی در زمانی است که اعتبار دهنده توانایی پی بردن به اهلیت اعتبار گیرنده را قبل از اعطای اعتبار نداشته باشد و این امر، عدم تقارن اطلاعات را به دنبال دارد. نتیجه این که عدم تقارن اطلاعات سبب می‌شود که موسسه اعتبار دهنده نتواند به وجهی نیکو، امتیازات خود را به اعتبار گیرنده‌ای که شایستگی مناسب دارد، اعطا نماید. در نتیجه معوقات بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری رو به افزونی می‌گراید و در پی آن، میزان مشتریان شایسته و مطمئن از مشتریان پر خطر و ناشایست کاهش می‌یابد.

گروهی معتقدند اعتبار، در مفهوم لغوی، معانی مختلفی دارد و با توجه به خواستگاه ریشه لغوی آن در معانی گوناگونی به کار برده می‌شود. این واژه در زبان فرانسه^۲ به معنای ایمان و اعتقاد به کار برده می‌شود. در خواستگاه ایتالیایی^۳ این لفظ در معنای اعتقاد، مفهوم پیدا می‌کند و در زبان لاتین، این لفظ مفهوم قرض را می‌رساند.

در تعریفی دیگر، اعتبار به معنای سرمایه‌ای است که توسط بانک ایجاد شده باشد. البته مراد از به کار بردن چنین تعبیری، همان اصطلاح "اعتبار مالی" می‌باشد. هر چند که اعتبار در تجارت و معاملات به صورت مستقیم و یا در خدمات اقتصادی، کاربرد بسیار دارد. لیکن دارای مفهوم گسترده‌تری است و تنها اختصاص به مسائل مالی ندارد.

1. Credit
2. Credito
3. Cretitum

۲-۱. مفهوم اعتبارسنجی

صنعت اعتباری در جهانی رو به پیشرفت، به صورت متداوم و روزانه تاثیر بس شگرفی در چرخه اقتصاد جهانی دارد. چه اینکه امروزه با پیشرفت فناوری، شبکه های وب نیز در قالب امر تسهیل خدمت رسانی الکترونیکی به مشتریان بانک‌ها و موسسات مالی، فارغ از زمان و مکان ارائه شده اند.

در یک تعریف، موسسه مالی، سازمانی است که سرمایه تمام سپرده گذاران را جمع آوری کرده و تحت عنوان تسهیلات به افراد خواهان این سرمایه پرداخت می کند (والی نژاد، ۱۳۸۳، ص ۲۱).

در تعریفی دیگر از بانک آمده است که بانک به یک سازمان مالی گفته می شود که وجوه و دارایی افراد را به عنوان سپرده دریافت می کند و به صورت وام، تسهیلات، تنزیل برات و خرید و فروش اوراق بهادار، ارائه می کند (زمانی فراهانی ۱۳۸۸، ص ۱۶۰). برخی معتقدند بانک یا موسسات صرافی در گذشته، با مرور زمان سازمان یافته تر شده و امروزه تبدیل به هسته تمام فعالیت های اعتباری و پولی شده اند (بهمنی و بهمند، ۱۳۸۷، ص ۱۵).

در یک روش بانک‌ها از طریق رتبه بندی و امتیاز دادن به متقاضی، مشخص می کنند به چه افرادی تسهیلات خود را پرداخت کنند. در شیوه دوم، خود بانک شخصا می تواند بررسی های لازم را به عمل بیاورد و نیز می تواند این بخش از سنجش را به موسسه رتبه دهی واگذار نماید، هدف از این امر، کشف و روشن سازی کیفیت بازپرداخت تسهیلات توسط متقاضی است. آنگونه که از نامش پیداست در سیستم رتبه بندی که نوعی طبقه بندی متقاضیان است، هدف، پرداخت تسهیلات به متقاضی ای است که دارای ریسک کمتری نسبت به دیگری باشد. اعتبارسنجی دارای ثمرات فراوانی است که یکی از آن ها در اقتصاد به کار رفته است و در واقع به نوعی به شفاف سازی در جامعه اقتصادی می پردازد و کمک فراوانی به بانک‌ها و موسسات اعتباری در پرداخت تسهیلات و عقد قرارداد می نماید.

شیوه های اعتبارسنجی اشخاص حقیقی در موسسات مالی از دهه ۱۹۴۰ رواج یافته ولیکن اعتبارسنجی اشخاص حقوقی از دهه ۱۹۶۰ مورد توجه قرار گرفت. آمده است که اشخاصی چون آلمن مدل هایی جهت مشخص کردن امتیاز و رتبه ارائه دادند و از این طریق به وضعیت اقتصادی و مالی شرکت‌ها پی برده شد (راعی و سروش، ۱۳۹۱، صص ۱۳۱-۱۴۵).

از آنجایی که بانک جهانی، علاوه بر ایجاد مراکز اعتبارسنجی در مراکز تحت پوشش خود، سایر کشورهای عضو را نیز به ایجاد چنین مجموعه ای تشویق و ترغیب می نماید می توان به این مهم پی برد که در جهان امروزی، اعتبارسنجی از لزومات یک نظام اقتصادی محسوب می شود (Thomas, et. al, 2004, p41). مایز معتقد است کشور آمریکا از سرزمین هایی است

که به این امر جامعه عمل پوشانده است و این دولت ها در کنار حفظ حریم خصوصی اشخاص و رازداری در خصوص مسائل مالی آن ها، برای افراد جامعه، جایگاه و امتیاز اعتباری را مشخص می نمایند (Mays, 1995, p23).

گروه دیگری از نویسندگان معتقدند که یک اعتبارسنجی دقیق، نیازمند دسترسی داشتن به اطلاعات دقیق اشخاص است که این اطلاعات شامل اطلاعات بانکی، بیمه ای، گمرکی، مالیاتی و حتی معاملات آن ها می باشد (فلاح زاده و همکاران، ۱۳۹۵).

بنابراین اعتبارسنجی ای معتبر است که تمامی وجوه مختلف فعالیت مالی شخص را در بر داشته باشد. لیکن این اطلاعات به صورت کامل و جامع در اختیار یک سازمان بخصوص نیست بلکه هر یک به صورت مجزا در اختیار نهادهای مختلف است. فلذا عملیات اعتبارسنجی در راستای محقق کردن جمع آوری اطلاعات در یک مجموعه حرکت می کند.

براساس مفاد قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، در ایران سازمانی که قدرت دستیابی بر کلیه اطلاعات بانکی افراد را در بانک ها و موسسات مالی دارد، بانک مرکزی است^۱، و نهادی که تمام اطلاعات بیمه ای افراد را در دست دارد، بیمه مرکزی است^۲. نهادی که به امور مالیاتی اشخاص رسیدگی کرده و اطلاعات مالیاتی اشخاص را در دست دارد، سازمان امور مالیاتی است. سازمان ثبت اسناد و املاک نیز عهده دار ثبت و جمع آوری اطلاعات اشخاص در زمینه خرید و فروش و نظیر این موارد مربوط به اموال منقول و غیرمنقول است. سازمان ثبت احوال به احوال شخصیه رسیدگی میکند و امور مختلفی را بر عهده دارد. کسب اطلاعات افراد در زمینه صادرات و واردات نیز از طریق سازمان گمرک ایران امکان پذیر است.

اعتبارسنجی مدنی، تعریف جامع و کاملی نداشته و به معنا و مفهوم سنجش قدرت و توانایی فرد می باشد و ارائه رتبه اعتباری بر حسب حسن رفتار شخص، به وی می باشد. در واقع در سیستم اعتبارسنجی که مفهومی نوظهور در کشور ما است، اطلاعاتی از اشخاص دریافت شده و در سیستم جامعی ثبت شده و بر حسب فعالیت مثبت و منفی شخص و حسن فعل وی در اجتماع به وی رتبه خاصی اختصاص داده می شود که در صورت اقدام به افعال ناپسند و قانون شکنی شخص رتبه وی تنزل پیدا می کند و در واقع این اطلاعات نه در دسترس خود شخص و نه در دسترس دیگر اشخاص قرار خواهد گرفت، بلکه تنها رتبه اعتباری شخص است که تعیین کننده میزان بهره مندی وی از امکانات است. بر این اساس و طبق این سیستم افراد سعی می کنند هرروز قانونمدار تر از روز پیش عمل نمایند تا از رتبه اعتباری آن ها کاسته نشود و بتوانند از

۱. مواد ۱۰ الی ۱۵ قانون پولی و بانکی کشور.

۲. مفاد مواد ۱ الی ۵ قانون تا سیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری مصوب ۱۳۵۰.

مزایای بیشتری در جامعه برخوردار باشند، چه اینکه بهره‌مندی از مزایا و امکانات رفاهی جامعه، وابسته به رتبه اعتباری شخص است. در واقع می‌توان چنین استنباط نمود که یکی از کارایی‌های اعتبارسنجی مدنی، کاهش جرایم و پیشرفت روزافزون احساس مسئولیت و امنیت و آرامش در جامعه است، زیرا بهره‌مندی از امکانات جامعه، خود به عنوان انگیزه و محرک برای ترک جرم و حفظ مقررات می‌باشد و شخصی که استفاده از مزایا را در گرو احترام به حقوق و قوانین و حفظ رتبه اعتباری خود می‌داند، طبیعتاً تمام تلاش خود را به کار خواهد برد تا قانونمدار تر و مسئول تر و نهایتاً مثبت تر رفتار نماید.

چنانچه مشاهده می‌شود در ایران، سازمان واحدی وجود ندارد که تمامی اطلاعات شخص را در دسترس داشته باشد بلکه برای اعتبارسنجی ضروری می‌نماید که تمامی اطلاعات مذکور از تمامی سازمان‌های مختلف جمع‌آوری شود.

۱-۳. کارایی اعتبارسنجی در جامعه

پولشویی به عنوان یکی از معضلات اقتصادی در جوامع خود منجر به انجام جرایم و افزایش فعالیت‌های غیرقانونی برای قاچاقچیان اعم از قاچاق کالا و مواد مخدر و نظیر این‌ها می‌شود. و به نوعی سبب می‌شود قدرت اقتصادی از بازار، دولت و شهروندان دولت گرفته شده و به مجرمان و خلاف کاران منتقل شود.

در صورتی که اعتبارسنجی به شیوه‌ای صحیح در جامعه انجام نشود سبب می‌شود عده محدودی از افراد جامعه، منابع مالی و اعتباری را در انحصار خود داشته باشند و سایر افراد جامعه از خدمات مالی محروم باشند.

آن چنان که گویا اعتبارسنجی مشتریان در ارائه تصویری شفاف از وضعیت و توانایی مشتری در ایفای تعهدات خود در زمان تعیین شده، بازداشتن مشتریان از استفاده بیش از حد منابع و سقوط در بحران مالی، نقشی بنیادین دارد.

از این‌رو آنچه نوآوری و ابداعات را به منصفه ظهور می‌کشاند و سبب بهره‌برداری از آن می‌شود حمایت‌های مالی بانک‌هاست. مسلم است که کشورها با برابر شدن و تساوی و برقراری تعادل بین عرضه و تقاضا در سیستم تولیدی کشور، علاوه بر کاهش نرخ تورم و ثبات قیمت‌ها، اشتغال‌زایی نیز رخ خواهد داد، کارگاه‌ها و شرکت‌های تولیدی می‌توانند نیروهای جدید استخدام کرده و یا دست کم نیروهای خود را در خط تولید حفظ نموده و از اخراج و تعدیل آن‌ها جلوگیری شود. بنابراین اعتبارسنجی علاوه بر تثبیت نرخ بازار، می‌تواند منجر به کاهش نرخ بیکاری نیز بگردد.

از سوی دیگر، تورم که از طریق افزایش تقاضا و افزایش قیمت کالا ایجاد می‌شود، قدرت خرید مردم را کاهش داده و اشخاص توان کمتری در مهیا نمودن شرایط مناسب زندگی پیدا

کرده و در نتیجه رضایت افراد در مسائل بهداشتی و سلامتی کاسته می‌گردد. فلذا تورم بر انحرافات اجتماعی و اخلاقی اشخاص دخیل است.

طبق نظر اقتصاددانان دیگر بین فقر، نابرابری اقتصادی، بیکاری و تورم ارتباط مستقیمی با جرایم مالی من جمله سرقت، وجود دارد (Sjoquist, 1973, pp259-283).

از سوی دیگر، بررسی‌های انجام شده در مورد سیاست مالی که از طریق مخارج دولتی ایجاد می‌شود نشان می‌دهد که تورم بر وقوع این امر صحنه می‌گذارد (Teles, pp1-9, 2004).

گروهی دیگر نیز معتقدند که تورم همیشه در بلندمدت و کوتاه مدت، اثر معناداری بر انواع جرایم داشته و طبق بررسی‌های انجام شده اثر تورم بر ایجاد انگیزه در انجام جرایم حتی بیشتر از تأثیر بیکاری می‌باشد (ابریشمی؛ رضایی، ۱۳۹۴، ص ۴۱-۷۴).

در یک جامعه آرمانی، آنچه به عنوان عدالت اقتصادی مورد توجه است، توزیع عادلانه ثروت در میان مردم است. از آنجا که اولین و ساده‌ترین شیوه بدست آوردن ثروت، کار و فعالیت اقتصادی و تولیدی است، لیکن در خارج از تصور، این امر همیشه رخ نمی‌دهد. به عبارتی سیاست‌های غلط اقتصادی منجر می‌شود تا گاهی اوقات هرچه اشخاص در امر شغلی و تولیدی خود کوشا باشند، اما باز هم متقابلاً به ثروت قابل توجهی دست نیابند.

آنچنان که مشخص است، بهره بردن گروهی خاص در جامعه از امکانات مالی و ... منجر می‌شود قشر دیگری از جامعه روز به روز آسیب پذیرفته تر شود و فاصله طبقاتی آن‌ها روز به روز بیشتر گردد و در پی آن پیامدهایی چون ربا، احتکار، گرانفروشی، عدم پرداخت وجوهی که باید به دولت پرداخت شود، سرقت، ارتشاء و نظیر این موارد در جامعه فزونی گرفته و منجر به بی عدالتی و نابرابری اقتصادی و اجتماعی در بین طبقات مختلف جامعه می‌گردد و در واقع جامعه به دو گروه مرفهین و مستضعفین تقسیم خواهد شد. چه اینکه از نظر برخی نویسندگان، عواملی چون تورم، سبب کاهش درآمد و یا کاهش بهره‌وری اشخاص می‌شود (طالب، ۱۳۶۸، ص ۱۵۰) زیرا یکی از مولفه‌های اصلی عدالت که دانشمندان به آن توجه دارند، دادن حق به صاحبان حق است.

اعتبارسنجی مدنی، علاوه بر مبارزه با فساد و ناامنی در جامعه، می‌تواند بوسیله شفاف سازی و ثبت اقدامات و رفتار اشخاص و ایجاد یک کارنامه اعتباری برای افراد جامعه در امور سیاسی و اداره امور جامعه نیز تأثیرگذار باشد، به عنوان مثال اشخاص تحصیلکرده، پژوهشگران و اساتید دانشگاه و پزشکان با اشخاصی که از سواد کافی برخوردار نیستند، برابر نیستند و مسلماً امتیاز اعتباری این اشخاص بسیار بالاتر از آحاد افراد جامعه است.

یکی دیگر از موارد کارایی اعتبارسنجی مدنی، در امور استخدامی است. مسلماً هر چه

شخص امتیاز بالاتری از نظر اعتباری کسب نماید، در زمان استخدام شانس بیشتری برای پذیرش در ارگان‌های مرتبط را داراست. امروزه از طریق مصاحبه و فراخوان اقدام به استخدام می‌نمایند که در حد خود مناسب است اما اگر اعتبارسنجی در هر زمینه‌ای قابلیت اجرا داشته باشد، گزینش اشخاص با امتیاز بالاتر به مراتب بسیار آسان‌تر و به صرفه‌تر از منظر زمانی و هزینه‌های مالی خواهد بود.

از دیگر فواید اعتبارسنجی می‌تواند در حیطه شرکت‌ها و شراکت‌ها و معاملات خود را نشان دهد.

اعتبارسنجی مدنی حتی می‌تواند در زمینه ازدواج نیز راهگشا باشد؛ به صورتی که طرفین می‌توانند با دریافت امتیازات یکدیگر، با قدرت بهتری نسبت به تصمیم‌گیری در مورد ازدواج با یکدیگر اقدام نمایند و همین امر سبب می‌شود تا از ازدواج‌های نامناسب جلوگیری به عمل بیاید و نهایتاً میزان طلاق در کشور رو به کاهش برود؛ زیرا عواملی چون بیماری‌های روحی، بیماری‌های جسمی، نزاع‌های خیابانی، اعتیاد و ... در درجه بندی و رتبه امتیازی تأثیر گذار است.

۲- مویذات فقهی اعتبارسنجی

۲-۱. ادله قرآنی

آیه ششم سوره نساء می‌فرماید: «وَ اِئْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ اِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَاِنْ اَنْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ وَ لَا تَاْكُلُوهَا اِسْرَافًا وَ بَدَارًا اَنْ يَكْبُرُوا وَ مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَاِذَا دَفَعْتُمْ اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ فَاَسْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَ كَفَىٰ بِاللّٰهِ حَسِيبًا»^۱ یتیمان را بپایز مایید تا آن‌که به سن ازدواج یا زناشویی برسند، پس اگر در آن‌ها رشدی یافتید اموالشان را به خودشان واگذارید، و از بیم آن‌که مبدا به سن رشد برسند اموالشان را به ناحق و بشتاب نخورید، هر که توانگر است عفت ورزد و هر که بینواست به آن اندازه که عرف تصدیق کند بخورد، و چون اموالشان را تسلیمشان کردید کسانی را بر آنان به شهادت بگیرید و خدا برای حساب کشیدن کافی است».

در آیه آمده است «فان انستم منهم رشداً» پس از دادن مال به کسانی که سفیه هستند باید اجتناب نمود؛ اما چه زمانی می‌توان به ایتام اموالشان را پرداخت کرد؟ در آیه آمده است: «و ابتلوا الیتامی» یعنی ابتدا ایتام را مورد امتحان و آزمایش قرار دهید، در واقع سرپرستان وظیفه دارند که عقل ایتام را از لحاظ فهم، صلاحیت، دینی و اقتصادی کاملاً مورد بررسی قرار دهند، در صورتی که عقل آن‌ها به مرحله رشد و تکامل رسیده باشد، ثروتمندان را به خودشان باز گردانند. در تفسیر مجمع البیان آمده است که وقتی عقل یتیم کامل شد اموال وی به او باز خواهد گشت و این مطلب صحیح‌تر است، گروهی دیگر گفته‌اند که منتها رشد و کمال عقلی کافی نیست و

باید سن ولی کمتر از ۱۵ سال نباشد. در معنی رشد اختلاف است. از نظر قتاده و سعدی، منظور از «فان انستم رشداً» داشتن عقل و دین و اهلیت (صلاحیت) است. در نظر حسن و ابن عباس، منظور از رشد، صلاحیت در دین و آمادگی برای اصلاح مال است. از نظر مجاهد و شعبی منظور از رشد همان عقل است؛ یعنی تا زمانی که صلاحیت عقلی پیدا نکرده، نباید مال را به وی داد، حتی اگر وی به کهنسالی نیز برسد و از رشد عقلی بی بهره باشد، نباید مال را به وی پرداخت نمود اما به نظر می‌رسد نظر حسن و ابن عباس قوی تر از سایر نظرات و عقاید باشد. در روایتی از امام باقر (ع) نیز به همین امر تاکید شده است (الطبرسی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۲۸).

اجماع نیز بر این امر است که، کسی که دارای صلاحیت دینی و آمادگی کامل برای اصلاح مال و دخل و تصرف در آن را دارد، نمی‌توان وی را از تصرف در اموالش منع نمود، هر چند که عدالت نداشته باشد و از لحاظ دینی لاقید باشد. لذا زمانی که کودکی به بلوغ رسید و صلاحیت دینی و اهلیت محافظت از اموال خود را دارا باشد، باید اموالش را به وی بازگرداند (همان، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۲۸).

از این رو می‌توان اذعان داشت که اگر انسان بالغ، مال خود را به فساد بکشاند، می‌توان وی را از تصرف در اموالش منع نمود؛ زیرا اگر ما مسئولیت داریم در مقابل اینکه مال طفل بالغ غیر رشید را به وی نسپاریم و از آن محافظت کنیم، موظف هستیم که شخص بالغ غیر رشید را نیز از تصرف در اموالش منع کنیم. «فادفعوا الیهم اموالهم» در خطاب به سرپرستان ایتمام می‌فرماید زمانی که بلوغ و رشد را در آن‌ها دیدید اموالش را به آن‌ها بپردازید، لذا تحویل مال به ایتمام پیش از نمایان شدن رشد و بلوغ، جایز نمی‌باشد (همان، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۲۸).

آیه دوم، آیه ۱۵۲ سوره مبارکه انعام می‌باشد که می‌فرماید: «وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ دَا قُرْبَىٰ وَ بَعِّهْدِ اللّٰهَ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ وَصَّكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»، «به مال یتیم نزدیک نشوید مگر به نیکوترین وجهی که به صلاح وی باشد تا به سن بلوغ برسد. و پیمان‌ه و وزن را از روی عدل تمام کنید. ما به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کنیم و هر گاه سخن گوئید عادلانه گوئید هر چند به زیان خویشاوندان باشد. و به عهد خود وفا کنید. این هاست آنچه خدا شما را به آن سفارش می‌کند، باشد که پند گیرید».

«حتی ببلوغ اشدّه» یعنی تا اینکه متوجه شوید و دریابید که یتیم به بلوغ و رشد رسیده، مال وی را نگهداری کنید و در آن تصرف نکنید. آیه درصدد بیان این مطلب است که از اموال یتیم سوءاستفاده نشود و به محض نمایان شدن بلوغ و رشد، اموال وی به وی مسترد گردد (الطبرسی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۶۳۰).

بر اساس نظراتی که در مورد رشد در آیه پیشین گذشت، قول اقوی این است که حدی

برای سن نیست. بلکه هرگاه به سن بلوغ رسید و مشخص شد که عقل وی کامل گردیده و برای حفظ و نگهداری اموالش رشد کافی را دارد، می‌توان اموالش را به وی مسترد نمود. در واقع طبق نظر قرآن کریم، زمانی که یتیم به بلوغ و عقل و رشد کافی رسیده است، نمی‌توان در اموال وی تصرف نمود؛ بلکه می‌توان در این هنگام اموال وی را به وی داده و مسئولیت حفظ مال را بر عهده‌اش گذاشت.

همانگونه که در آیات ملاحظه می‌شود و تفاسیر آن گذشت، برگرداندن مال یتیم به وی مشروط به احراز سن و رشد وی است. لذا اگر به رشد نرسد، نتواند در اموال خود به نحو احسن دخل و تصرف کند، دادن مال به وی نهایت ظلم است. اما احراز رشد چگونه محقق خواهد شد؟ به درستی که اگر ولی یا قیم، مال را به دست طفل بگذارد و عملکرد وی را تحت نظر نداشته باشد، نمی‌تواند ملتفت شود آیا یتیم به رشد عقلانی و فکری رسیده است یا نه. بنابراین آیات مذکور دلالت بر وجوب و لزوم نظارت دقیق بر رفتار ولی یا قیم یتیم دارد. به واقع تنها زمانی می‌توان اموال یتیم را به وی استرداد نمود که به صورت کامل نسبت به رشد وی اطمینان و یقین حاصل گردد. این امر، خود، مصداقی بر لزوم اعتبارسنجی می‌باشد.

۲-۲. ادله روایی

در من لا یحضر الفقیه از امام صادق (ع) روایت شده است که در مورد آیه " وَ ابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَ بِدَارًا أَنْ يَكْبُرُوا وَ مَنْ كَانَ عَیْبًا فَلْيَنْتَعِفِفْ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا " چه می‌فرمایید؟ حضرت (ع) فرمودند: ایناس رشد حفظ المال" به این معنی که رسیدن به حد رشد یعنی قدرت پیدا کردن بر حفظ مال (ابن بابویه القمی، ۱۴۱۳، ج ۱۴، ص ۲۲۲).

در تفسیر این روایت آمده است که همان گونه که بیان شد، مال صغیر و صبی به وی داده نمی‌شود، تا زمانی که به بلوغ برسد و زمانی که رشد وی احراز شد اموالش به وی تسلیم می‌گردد، «ایناس رشد» یعنی که صلاحیت تصرف در اوالش را داشته باشد و در دینش نیز عادل باشد و تا زمانی که فرد غیر رشید باشد مجبور باقی می‌ماند هر چند که سالخورده شود (الراوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۳۴).

در کافی نیز آمده است که از اباعبدالله (ع) پرسیده شد در مورد یتیم و اینکه چه زمانی مال یتیم به وی بازگردانده می‌شود و ایشان فرمودند: "اذا علمت أنّها لا تُفسد و لا تُضحی" یعنی زمانی که دریافتی که اموالش را فاسد و ضایع نمی‌کند، می‌توانی به وی بازگردانی (الکلینی الرازی

۱۴۲۹، ج ۱۳، ص ۵۰۰). لذا از این فرمایش می‌توان استنباط کرد که تا زمانی که علم به صلاحیت یتیم بر حفظ مالش را نداری و می‌دانی که وی اموالش را تباه می‌سازد، نمی‌توانی اموال را به وی تحویل دهی. همچنین در فقه منسوب به امام رضا (ع) آمده است که هرگاه یتیم محتلم شد او را امتحان کن اگر در وی رشد دیدی و از آن مطلع شدی اموالش را به وی بازگردان، ولی اگر بر حالت سابقش بود، تا زمانی که به رشد برسد، اموالش را در دست خود نگه دار (منسوب به امام هشتم، ۱۴۰۶، ص ۳۳۲).

همانگونه که بیان شد، احتلام شرط بلوغ است، اما صرفاً با به بلوغ رسیدن طفل و یتیم نمی‌توان اموالش را به تصرفش در آورد بلکه باید از رشد عقلانی و فکری وی یقین بدست آورد. بر اساس تمامی روایات مذکور، اگر یتیم دارای اموال باشد و در دست ولی به امانت باشد، در صورت می‌توان اموال را به تصرف یتیم در آورد که وی به سن بلوغ رسیده و دارای عقل باشد، که بتواند امور خود را تدبیر نموده و اموالش را اصلاح کند، فلذا در غیر اینصورت ولی یا قیم نمی‌تواند اموال را به تصرف یتیم در آورد؛ زیرا اکیداً بر این امر تأکید شد که ابتدا ولی باید از رشد یتیم اطمینان حاصل کند سپس اقدام به برگرداندن اموال یتیم به وی نماید. چرا که طبق نظر نویسندگان، شرط اصلی برای خروج صغیر از حجر، رشد وی است، و بلوغ تأثیری بر حجر وی ندارد. همچنین گروهی بر این باورند که علت تشریح اختبار بعد از بلوغ نیز بدلیل دفع این توهم است که بالغ نیازی به اختیار ندارد و اختیار مختص به قبل از بلوغ است و بر اساس این توهم، انسان به صرف بلوغ از محجوریت خارج شده و اموالش به تصرف خودش در می‌آید؛ هر چند که رشید نباشد. لیکن صغیر امکان دارد رشید شده و از وی رفع حجر شود، و بالعکس نیز صادق است که انسان بالغ، با وجود بلوغ و حتی کهولت سن همچنان سفیه و محجور باقی بماند (کاظمی و برزویی ۱۳۹۴).

در واقع فلسفه اختبار بعد از بلوغ نیز کشف و دستیابی به علم و یقین نسبت به رشد عقلی و فکری یتیم می‌باشد.

در نامه ۵۳ نهج البلاغه امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در مورد مراقبت از رفتار کارگزاران به مالک اشتر نخی می‌فرمایند: «از اعمال کارگزارانت تجسس و تفحص کن و جاسوسان و عیونی از اهل صدق بر آن‌ها بگمار». تحت نظر گرفتن عمال و کارگزاران و اعطای پاداش به آن‌ها در صورت انجام وظایف و یا مجازات آن‌ها در پی عمل نکردن به وظایف نیز مصداقی بارز از اعتبارسنجی است.

۲-۳. بنای عقلا

از آنجا که عقل حکم به لزوم حفظ نظام اجتماع و حفظ انتظام امور عباد می‌کند و جلوگیری از اختلال در نظم عمومی جامعه را تقبیح می‌کند و مذموم می‌داند، به تبع این حکم عقل، عقلای عالم هر کجا که احتمال بر هم خوردن آن را بدهند، همانند جایی که افرادی را برای مناصبی انتخاب می‌کنند برای جلوگیری و دفع شرور؛ گماشتن جاسوس را جایز و حتی گاهی آن را عقلا واجب می‌دانند؛ و خلاصه اینکه بنای آن‌ها بر چنین عملی قائم است و شارع مقدس نیز نه تنها این بنا را ردع نفرموده بلکه آن را امضاء فرموده است. (سلیمانی، ۱۳۹۴، ص ۸۹)

۴- قواعد اخلاقی

اخلاق جمع خلق است به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن؛ که به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود که با بصیرت درک می‌شود. بسیاری از فلاسفه و حکمای اسلامی اخلاق را با توجه به همان معنای لغوی تعریف کرده‌اند.

در عین حال، شایع‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در میان اندیشمندان اسلامی عبارتست از «صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شود افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل و تروی از آدمی صادر شود»

بنابراین تعریف، اخلاق، هیأتی است استوار و راسخ در جان آدمی که کارها به آسانی و بدون نیاز به تأمل و تفکر از آن صادر می‌شود. (الزبیدی، ج ۶، ص ۳۳۷)

عقل و فطرت، قواعدی را در عمل و فعل انسان پدید می‌آورد که از آن بعنوان قواعد اخلاقی یاد می‌شود. این قواعد اخلاقی بر تمام زندگی انسان سیطره دارد و انسان تفاوت خود را با حیوانات دیگر در رعایت عملی همین قواعد اخلاقی می‌بیند.

اخلاق، مجموعه قواعدی است که لازمه نیکوکاری و رسیدن به کمال است؛ یعنی بوسیله اخلاق ما معیاری به دست می‌آوریم که چه کاری خوب و چه کاری بد است؛ قواعد اخلاقی، رفتارهایی است که وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف مطلوب می‌باشند و ارزشی بودن آنها به لحاظ مطلوبیت آنهاست.

قواعد اخلاقی تکیه بر وجدان شخص دارد؛ یعنی اعتبار این قواعد از درون تضمین می‌شود نه از برون؛ قواعد اخلاقی فقط الزامی درونی داشته و خودکنترلی عامل اجرا و تضمین آن است. (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۴۹)

قواعد اخلاقی مانند: صداقت، پایبندی به تعهدات، داشتن نگاه مثبت به زندگی، گذشت و فداکاری، مهربانی، خوش‌زبانی، امانتداری و ...

عقل و فطرت قواعدی را در عمل و فعل انسان پدید می‌آورد که از آن به عنوان قواعد اخلاقی سخن گفته می‌شود و اداره زندگی انسان تنها در پرتو مجموعه خاصی از قواعد اخلاقی تأمین می‌شود.

قواعد اخلاقی از وجود انسان سرچشمه می‌گیرد؛ ندای درونی اوست که مبنای اخلاق را تشکیل می‌دهد؛ هیچ عامل خارجی اعم از نیروی دولت یا احکام مذهبی در آن دخالت ندارند. قواعد اخلاقی به نیت افراد در برخوردها و رفتار اجتماعی توجه دارد، برای مثال می‌توان بیان کرد که قتل جرم محسوب می‌شود اما قواعد اخلاقی حکم می‌کند که به نیت و قصد آنها در حین ارتکاب جرم هم توجه کرد.

قواعد اخلاقی از عقلانیت برخوردارند؛ عقلانیت یعنی قابل فهم بودن، به عبارت دیگر یعنی قاعده ناشی از رعایت قواعد اخلاقی و خسارت ناشی از عدم رعایت آن‌ها برای عقل بشری قابل درک است؛ عقل بشری می‌تواند درک کند که اگر در مقام عمل به جای رد امانت، خیانت در امانت رایج شود چه خواهد شد. هم فواید ناشی از رعایت رد امانت و هم خسارت‌های ناشی از خیانت در امانت برای عقل بشر قابل درک است.

قواعد اخلاقی محترم‌اند؛ حتی گاهی قانونگذار به طور مستقیم احترام به قواعد اخلاقی را واجب می‌داند؛ مثلاً در ماده ۹۷۵ قانون مدنی آمده است: محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده به موقع اجرا بگذارد. اگر چه اجرای قوانین مذکور اصولاً مجاز می‌باشد. قواعد اخلاقی در قلمرو روابط افراد خانواده بیشتر از اموال و تعهدات است؛ زیرا اخلاق در تنظیم روابط افراد، بیشتر از هر چیز دیگری حکومت می‌کند. قواعد اخلاقی ثابت و جاودانه‌اند؛ یعنی همیشه و همه جا این بایدها و نبایدها ثابت هستند و دچار تغییر و تحول نمی‌گردند.

قواعد اخلاقی درصدد تزئین آدمیان به فضایل و پاکیزه گرداندن آنان از رذائل می‌باشد. هدف اخلاق و قواعد اخلاقی تأمین سعادت آدمیان و کمال است (ملکیان، ۱۳۸۹، صص ۲-۳). اساس صفات و فضائل اخلاقی عبارتند از: حکمت، عفت، شجاعت و عدالت.

علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آنها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد.

هدف نهایی علم اخلاق این است که انسان را به کمال و سعادت حقیقی خود که همانا هدف اصلی خلقت جهان و انسان است برساند. تفسیر واقعی و تحقق این کمال و سعادت به آن

که انسان به قدر ظرفیت و استعداد خود، چه در صفات نفسانی و چه در حوزه رفتاری، جلوه‌گاه اسماء و صفات الهی گردد؛ تا در حالی که همه جهان طبیعی و بی اراده به تسبیح جمال و جلال خداوندی مشغولند؛ انسان با اختیار و آزادی خویش، مقرب‌ترین، گویاترین و کامل‌ترین مظهر الهی باشد؛ در اخلاق هم از صفات نیک و پسندیده و فضیلت بحث می‌شود و هم از صفات زشت و ناپسند و رذیلت (دیلمی، ۱۳۸۰، ص ۱۶).

مطابق آیات فراوان، یکی از عمده‌ترین اهداف بعثت انبیاء و مهم‌ترین رسالت آنها، تهذیب روح و تزکیه جان‌ها بوده است به گونه‌ای که تعلیم در برنامه‌های آن‌ها به عنوان مقدمه مورد نظر بوده است؛ زیرا آنچه عمومی است و توده انسان‌ها به آن مامور و موظف‌اند، همانا نزهت روح و شکوفایی اخلاق است. در قرآن کریم کمتر آیه‌ای تلاوت می‌شود که در صدر و ذیل آن، مسأله تقوی و اخلاق بازگو نشده باشد و این نشان از اهمیت اخلاق و تطهیر جان‌ها می‌دهد و گوشزد می‌کند که اگر فضیلت جای رذیلت را نگیرد رسیدن به مقصود (چه دنیوی و چه اخروی) میسر نیست.

باید توجه داشت که ریشه و اساس و فلسفه بعثت پیامبر گرامی اسلام مسئله مهم اخلاق است.

«به راستی من مبعوث گردیدم تا مکارم اخلاق را کامل کنم» .

بر اساس این روایت نبوی که البته به مضامین مختلفی از آن نبی گرامی اسلام نقل شده، یکی از علت‌های مهم بعثت را تکمیل فضائل اخلاقی انسان‌ها بیان می‌کند.

از اهمیت این مسئله همین که امیرالمومنین علی (ع) نیز در کلامی گویا می‌فرماید:

اگر ما امید و ایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ و انتظار ثواب و عقابی نمی‌داشتیم، شایسته بود به سراغ فضایل اخلاقی برویم، چرا که آن‌ها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند (فناپی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴).

اخلاق در گوشه گوشه‌ی زندگی ما انسان‌ها رسوخ پیدا کرده است. مهم‌ترین موضوعی که جامعه کنونی بدان سخت محتاج است اخلاق است. در دایره زندگی اگر چه واژه‌های متفاوتی اعم از خوب و بد خیمه زده‌اند و البته هر کدام در زندگی به نوبه خود ایفای نقش می‌کنند؛ ولی اخلاق از عمده‌ترین مواردی است که نقش خود را پررنگ‌تر از سایرین به نمایش می‌گذارد.

آن سوی قضیه نیز می‌تواند صادق باشد؛ یعنی زندگی هم در شکل‌گیری مقوله اخلاق بسیار مهم است. چه این که تا زندگی ایجاد نشود، مقوله‌ای بنام اخلاق نیز بوجود نمی‌آید. به

تعبیری آن تاثیر و تاثیر که اخلاق در زندگی بر جای می‌گذارد زندگی نیز در اخلاق به نمایش می‌گذارد.

بنابراین اخلاق در زندگی بسیار موثر و مفید ظاهر می‌شود و زندگی نیز بدون اخلاق دچار تعلل و تقصیر خواهد شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۷-۱۷۸).

قواعد اخلاقی در اسلام مبتنی بر آموزه‌های قران و احادیث می‌باشد. کهن‌ترین نمونه‌های اندیشه اخلاقی و قدیمی‌ترین متون اخلاقی نامه‌هایی از امام علی (ع) است و صحت صدور آن‌ها از سندی کافی برخوردار است. و نهایتاً باید توجه داشت که عدالت اجتماعی در زیرمجموعه علم اخلاق قرار دارد. بر همین اساس است که علم اخلاق نیز یکی از علوم است که اعتبارسنجی مدنی را خواهد پذیرفت و به آن ارج خواهد داد. چرا که بر طبق سیستم اعتبارسنجی مدنی، افراد سعی می‌کنند هرروز قانونمدار تر از روز پیش عمل نمایند تا از رتبه اعتباری آن‌ها کاسته نشود و بتوانند از مزایای بیشتری در جامعه برخوردار باشند، چه اینکه بهره‌مندی از مزایا و امکانات رفاهی جامعه، وابسته به رتبه اعتباری شخص است، فلذا هر شخصی تلاش خواهد نمود که با حفظ قانون و احترام به قواعد اخلاقی جامعه و حسن رفتار خود در اجتماع، رتبه اعتباری خود را بالاتر برده تا از امکانات بیشتری بهره‌مند گردد. این امر، خود منجر به بهبود اجتماع و افزایش امنیت و آرامش در جامعه خواهد شد که مدیون قواعد اخلاقی می‌باشد.

نتیجه گیری

یکی از اصول مهم و اساسی در جوامع اسلامی، احترام به اصول اخلاقی می باشد، چه اینکه این امر، در جوامع اسلامی دارای جایگاه ویژه و ممتازی نسبت به سایر جوامع است، مبنای قواعد اخلاقی و زیربنای آن بر پایه عدالت، استوار است. عدالت در عرصه های مختلف جامعه به دلیل فطری بودن همواره مورد توجه بوده است. دین اسلام نیز به عنوان مذهبی کامل و جامع همواره بر این اصل تاکید داشته است. یکی از جایگاه های اصلی عدالت در حوزه اجتماعی و اقتصادی ظهور پیدا می کند. عدالت اقتصادی در معنای مراعات حقوق اقتصادی در زمینه رفتارها و مناسبات اقتصادی و نیز عدالت اجتماعی به معنای تخصیص عادلانه منابع در یک جامعه، در صورتی جریان می یابند که افراد جامعه به صورت متناسب از امکانات جامعه بهره مند شوند. یکی از راهکارهای دستیابی به چنین عدالتی، اجرایی نمودن طرح اعتبارسنجی مدنی است، که بر اساس آن، منابع جامعه برحسب استحقاق افراد در جامعه توزیع خواهد شد. قواعد اخلاقی این امکان را فراهم می آورد که اعتبارسنجی به بهترین نحو به ظهور برسد. این قواعد لازمه رسیدن به کمال بوده و اداره زندگی انسان ها تنها در پرتو مجموعه خاصی از قواعد اخلاقی تأمین می شود و هدف اخلاق و قواعد اخلاقی تأمین سعادت و مال آدمیان است که پژوهش حاضر این موضوع را در اعتبارسنجی مدنی دنبال می کند.

همانگونه که یاد شد، از کاربردی ترین موارد اعتبارسنجی مدنی را می توان چنین یاد کرد: استفاده از اعتبار سنجی مدنی تا حد بسیاری از ایجاد کلاهبرداری و سوءنیت ها من جمله در زمینه جعل اسناد اعم از هویتی، تحصیلی، مالی و غیره جلوگیری خواهد نمود و در نتیجه اعتماد و صداقت بیشتری در جامعه جریان پیدا خواهد کرد.

بهره مندی سازمان ها از سامانه اعتبارسنجی و دسترسی به رتبه اشخاص در زمینه استخدام و ... تا حد بسیاری می توان از کاغذ بازی جلوگیری کند در نتیجه در مصرف انرژی و وقت و منابع طبیعی نهایت صرفه جویی اعمال خواهد شد.

می توان یکی از کارکردهای اعتبارسنجی را در زمینه اداره امور اداری اجتماعی و غیره بررسی نمود مسلماً اشخاصی که دارای رتبه اعتباری بالاتری نسبت به سایرین هستند می توانند در اداره امور مختلف مورد مشورت قرار بگیرند و از تجربه، تحصیلات، هوش و استعداد آنها در زمینه ی اداره امور مختلف بهره برده شود. این امر به تقویت جامعه اسلامی هم منجر خواهد شد، همچنین این عملکرد متناسب با دستور به مشورت طبق آموزه های اسلامی خواهد بود.

بنابراین بر طبق قواعد اخلاقی و فقه اسلامی، اعتبارسنجی لازمه یک جامعه مدنی امروزی می باشد، چه اینکه، یکی از راه های رسیدن به اخلاق و عدالت اجتماعی در جامعه مدرنیته

امروزی و نیز دستیابی به جامعه آرمانی و فاضله، استفاده از سیستم یکپارچه اعتبارسنجی مدنی است، فی الواقع در جهان امروزی در جهت حفظ عدالت و اختصاص منصفانه و عادلانه منابع به افراد جامعه، استفاده از طرح اعتبارسنجی مدنی ضروری است چرا که با استفاده از این طرح، تا حد بسیاری می توان نسبت به رفتارهای اشخاص در جامعه اطلاعات مناسب را به دست آورد و بر اساس رفتارهای افراد، منابع را به آن ها تخصیص نمود، این امر، خود منجر به افزایش رفتارهای حسنه و کاهش رفتارهای نابهنجار در جوامع نیز خواهد شد زیرا اشخاص در جامعه درصدد بهره مندی بیشتر از امکانات می باشند. لذا پیشنهاد می شود که محققین حقوقی، فقهی و اقتصادی همزمان و با همکاری یکدیگر به تعیین معیار متناسب با موقعیت و شرایط کنونی کشور جهت اعتبارسنجی ارائه نمایند تا این طرح به نیکویی به ثمر بنشیند.

فهرست منابع

قرآن کریم
نهج البلاغه
قانون مدنی

۱. ابریشمی، حمید و رضایی، زکیه (1394) بررسی اثر تجربی تورم بر جرایم در ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، پاییز، دوره ۲۲، شماره ۸۳.
۲. ابن بابویه القمی، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق) (۱۴۱۳) من لایحضره الفقیه، المحقق: علی اکبر الغفاری، چاپ دوم، قم، الناشر: جماعة المدرّسين فی الحوزة العلمية.
۳. بهمنی، محمود؛ بهمند محمد (۱۳۸۷) بانکداری داخلی (۱) تجهیز منابع پولی، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات موسسه عالی بانکداری ایران بانک مرکزی.
۴. دیلمی، احمد، (۱۳۸۰)، اخلاق اسلامی، دفتر نشر معارف، قم.
۵. راعی، رضا و ابوذر، سروش (۱۳۹۱) اعتبارسنجی مشتریان حقوقی کوچک و متوسط بانک ها با استفاده از مدل لوجیت و پروبیت، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، بهار، دوره ۱۲، شماره ۴۴.
۶. الراوندی، قطب الدین ابی الحسن سعید بن هبة الله (۱۴۰۵ق)، فقه القرآن، تحقیق: السید احمد الحسینی باهتمام السید محمود المرعشی، الطبعة الثانية، قم، الناشر مكتبة آية الله النجفی المرعشی الاولاية .
۷. الزبيدي، محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، جلد ۶، دارالمكتبة الحياه، بی تا، بیروت.
۸. زمانی فراهانی، مجتبی (۱۳۸۸) پول و ارز بانکداری، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات ترم.
۹. سلیمانی مرتضی، سلیمانی یاسر (۱۳۹۴) تبیین و بررسی فقهی تجسس در فعالیت های اطلاعاتی_امنیتی، فصلنامه علمی پژوهشی کاوشی نو در فقه، تابستان، شماره دوم، صفحات ۷۹-۱۰۲.
۱۰. طالب، مهدی (۱۳۶۸) تامین اجتماعی، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ رضوی.
۱۱. الطبرسی، ابوعلی الفضل ابن الحسن (۱۳۶۰) ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجمان علی صحت و نوری همدانی؛ حسین و جمعی از مترجمان دیگر، چاپ اول، تهران، انتشارات فراهانی، ۲۷ جلدی.
۱۲. فلاح زاده، علی محمد؛ ابراهیمی، محمود و افشار، سجاد (۱۳۹۵) اعتبارسنجی اقتصادی از منظر حقوق عمومی، دو فصلنامه دیدگاه های حقوق قضائی، دوره ۲۳، شماره ۷۳ و ۷۴.
۱۳. فنایی، ابوالقاسم، (۱۳۸۹)، اخلاق دین شناسی، نشر نگاه معاصر، تهران.

۱۴. کاظمی، محمود و برزویی، عباس (۱۳۹۴) ار بلواغ جسمانی تا رشد عقلانی: بازخوانی اماره رشد در حقوق موضوعه ایران و فقه اسلامی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال چهارم، زمستان، شماره ۱۳، صفحات ۱۱۹-۱۴۵.
۱۵. الکلبینی الرازی، اَبی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق) الاصول من الکافی (ط-الاسلامیة)، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیة. [۸جلدی].
۱۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۲)، فطرت، جلد اول، نشر صدر، تهران.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶)، زندگی در پرتو اخلاق، جلد ۱، ناشر سرور، قم.
۱۸. ملکیان، مصطفی، (۱۳۸۹)، مقاله اولویت و ویژگی های قواعد اخلاقی، پرتال جامع علوم اسلامی.
۱۹. نصیری اقدم، علی؛ حسینی سید محمد رضا و قودجانی اصلان (۱۳۹۲) مبانی اقتصادی و حقوقی سنجش اعتبار، چاپ اول، تهران، نشر مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
۲۰. والی نژاد، مرتضی (۱۳۸۳) نقش وظایف نظام و نهادهای مالی بانک ها در اقتصاد، ماهنامه بانک و اقتصاد، شماره ۴۷.
21. Jacobs, D (1981) Inquality and economic crime, sociology and social research, 6:pp12-28.
22. Mays, E(1995) H\ Handbook of Credit Scoring, Chicago, Global Professional Publishing.
23. Sjoquist.D (1973) property crime and economic behavior: some empirical results, American Economic Review, 1:pp259-283.
24. Teles,Vladimer K(2004) The Effects of Macroeconomic Policies on Crime, Economic Bulletin, 11(1): pp 1-9.
25. Thomas Lyn C.& Edelman, David B. Crook Jonathan N(2004) Readings in Credit Scoring. Foundations, Developments, and Amis, Oxford: Oxford University press.

